

تاریخچه مدارس آمریکایی در ایران

۲۵ دی ۱۳۹۳ ساعت ۱۸:۰۷

تأسیس مدارس آمریکایی در ایران، با آغاز فعالیت میسیون آمریکایی در این کشور همراه است. گفتگو از فعالیت فرهنگی میسیون، شاید در نگاه اول غریب بنماید؛ زیرا میسیونر مترادف با انسان والایی است که در سخت‌ترین شرایط و با امکاناتی ناچیز، سخاوتمندانه و با فداکاری تحسین برانگیز به یاری محرومان جهان می‌شتابد. در حقیقت فعالیت میسیون چه در مرحله تکوینی خود که موجدش کلیسا بود و انگیزه‌اش رساندن پیام انجیل به مردم دنیا، و چه بعد از آن که به اقصی نقاط سفر کرد و به همه جا سرکشید، آگاهانه یا ناآگاهانه، پنهان یا آشکار، با سیاست استعماری غرب مرتبط بود.

تأسیس مدارس آمریکایی در ایران، با آغاز فعالیت میسیون آمریکایی در این کشور همراه است. گفتگو از فعالیت فرهنگی میسیون، شاید در نگاه اول غریب بنماید؛ زیرا میسیونر مترادف با انسان والایی است که در سخت‌ترین شرایط و با امکاناتی ناچیز، سخاوتمندانه و با فداکاری تحسین برانگیز به یاری محرومان جهان می‌شتابد. در حقیقت فعالیت میسیون چه در مرحله تکوینی خود که موجدش کلیسا بود و انگیزه‌اش رساندن پیام انجیل به مردم دنیا، و چه بعد از آن که به اقصی نقاط سفر کرد و به همه جا سرکشید، آگاهانه یا ناآگاهانه، پنهان یا آشکار، با سیاست استعماری غرب مرتبط بود.

این واقعیت از چشم میسیونرها پوشیده نبود. از این رو همواره می‌کوشیدند تا آن را به گونه‌ای توجیه کنند. «دکتر جان الدر» که در دوران سلطنت خاندان پهلوی مدت‌ها رئیس میسیون پروتستان در ایران و همچنین رئیس هیئت مدیره کالج البرز بود، در پیشگفتار یکی از کتاب‌های خود برای اینکه خاطر خوانندگان نوشته‌اش را یکسره آسوده کند و تردیدها را از اذهان بزدايد، بر این نکته تأکید دارد که: «خدمات میسیونرهای مسیحی در ایران و سایر کشورهای دنیا از ناحیه دولت آنها نبوده و مطلقاً از طرف کلیساهای آمریکا به وجود آمده و توسط خود آنها اداره می‌شود». به هر حال در سال ۱۸۳۲ م / ۱۲۱۱ ش، دو کشیش آمریکایی به نام‌های «اسمیت» و «دوایت» از سوی هیئت میسیونری آمریکا برای مطالعه در احوال مسیحیان آذربایجان به ایران آمدند. این در حالی است که هیئت اعزامی پیشین، کار در میان مسلمانان ایران را صلاح نمی‌دانست. اسمیت پس از بازگشت به آمریکا در گزارشی به هیئت میسیونری درباره آسوری‌های ارومیه نوشت: «مزرعه‌ای که در اینجا موجود است به نظر من آماده حصار می‌باشد. اینجانب در تمام مسافرت خود، مردمی ندیده است که به اندازه آسوری‌های ایران حاضر به قبول انجیل مسیح باشند».

گزارش اسمیت، جمعیت مبشرین پروتستانی مذهب آمریکا را بر آن داشت تا کشیشی به نام «جوستن پرکینز» را برای تبلیغ روانه آذربایجان سازد. وی با پزشکی به نام «آساهر کوانت» همراه با همسرانشان وارد ارومیه شدند.

با وجود این چون تبلیغات میسیون بر اساس مذهب پروتستان بود، خشم کاتولیک‌ها برانگیخته شد و در کار پرکینز دشواری‌هایی پدید آمد. پرکینز برای رهایی مدرسه خود از تعرض کاتولیک‌ها، به یاری ملک قاسم میرزا، عموی محمدشاه که به او انگلیسی آموخته بود، فرمانی از شاه گرفت تا به آسودگی به کار خود بپردازد.

پرکینز در ۱۸۴۶ م. (۱۲۲۵ ش) دبستان خود را به خارج ارومیه انتقال داد و آن را به یک مدرسه شبانه‌روزی تبدیل کرد.

کمی پیش از آن، یعنی در ماه مارس ۱۸۳۸ م، خانم گرانت همسر یکی از پزشکان دستگاه میسیونری که زبان ترکی آذربایجانی را به خوبی فرا گرفته بود، دبستان دخترانه‌ای تأسیس کرد که فقط چهار شاگرد آسوری داشت.

خانم گرانت یک سال پس از آن درگذشت و به جای او دوشیزه «فیدلیافیسک» از آمریکا به ارومیه وارد شد. (۱۸۴۳ م، ۱۲۲۱ ش) فیسک مدرسه‌ای شبانه‌روزی تأسیس کرد تا در محیطی مطمئن و به دور از تأثیرات خانواده، تعلیمات انجیل را آموزش دهد. میسیون نیز برای تشویق خانواده‌ها پرداخت هزینه خورد و خوراک شش نفر دانش‌آموز این مدرسه را به عهده گرفت. بدین قرار، پس از گذشت دو سال تعداد شاگردان مدرسه به چهل تن رسید. در این هنگام میسیون نیز از پرداخت هزینه تحصیل بچه‌ها سرباز زد.

میسیون علاوه بر مدرسی که در ارومیه داشت، مدارس دیگری در روستاها احداث کرد.

در همه این مدارس، علوم جدید، زبان انگلیسی، تعلیمات دین مسیح و مختصری زبان فارسی تدریس می‌شد.

پرکینز، مؤسس میسیون ایران در آخرین روز سال ۱۸۶۹ م، ۱۲۴۸ ش، پس از ۳۶ سال اقامت در ایران درگذشت. با مرگ او نخستین مرحله از خدمات میسیونرهای پروتستان در ایران به انجام رسید. همزمان با مرگ پرکینز، هیئت مرکز میسیون در آمریکا تصمیم گرفت، دامنه فعالیت خود را در ایران گسترش دهد. از این رو، نام «میسیون برای نسطوریان ایران» به «میسیون آمریکایی در ایران» مبدل شد و توجه میسیون به نقاط دیگری چون تهران، تبریز و همدان معطوف گشت.

در ۱۸۷۲ م/ ۱۲۵۰ ش، یک هیئت میسیونری آمریکایی به ریاست «جیمز باست» مأمور تشکیل شعبه میسیون در تهران یا همدان گردید. باست، پس از بررسی‌های همه جانبه، تهران را برگزید و پس از ورود به این شهر، به فراگیری زبان فارسی پرداخت. در آن هنگام ارمنی‌های ساکن پایتخت، دبستان کوچکی داشتند که هزینه آن از رهگذر شهریه دانش‌آموزان تأمین می‌شد. در ۱۲۵۱ ش، میسیون دبستان دیگری برای ارامنه در نزدیک دروازه قزوین احداث کرد. این مدرسه که در آغاز فقط ده شاگرد داشت، نخستین پایه دبیرستان البرز به شمار می‌آید.

در ۱۸۸۵ م/ ۱۲۶۴ ش، میسیونر «اسموئل وارد» از آمریکا به تهران آمد. همان وقت میسیون در خیابانی که بعدها قوام السلطنه نامیده شد (۳۰ تیر کنونی) زمینی خرید تا ساختمانی برای تأسیس یک مدرسه در آن بنا کند. گفتنی است که کلنگ این ساختمان را ناصرالدین شاه به زمین زد. پس از انجام کار، طبقه دوم ساختمان به آقای وارد و خانواده‌اش واگذار شد تا در آن زندگی کنند. طبقه اول به محل مدرسه اختصاص داده شد و پانزده نفر دانش‌آموز مدرسه دروازه قزوین نیز به آنجا منتقل شدند. در ضمن چند کودک یهودی هم در مدرسه پذیرفته شدند. در آن حال، مدرسه شش کلاس و پنجاه دانش‌آموز داشت. به تدریج در میان برخی از خانواده‌های مسلمان این تمایل پیدا شد که کودکان خود را به آن مدرسه بفرستند.

دوره تحصیل در این مدرسه هفت سال بود و در آن، گذشته از انگلیسی، فارسی و عربی نیز تدریس می‌شد. با گذشت زمان بر وسعت مدرسه و تعداد شاگردان همچنان افزوده می‌شد، تا آنجا که در سال تحصیلی ۱۲۷۵-۷۶ ش، یکصد و سی و چهار دانش‌آموز در آن تحصیل می‌کردند که نیمی از آنان مسلمان بودند.

در ۱۸۹۸ م/ ۱۲۷۷ ش، اسموئل وارد از ایران به آمریکا رفت و به جای او دکتر «ساموئل جردن» به تهران اعزام شد. در آن هنگام دبستان مزبور، شش کلاس برای دانش‌آموزان مقطع ابتدایی داشت. جردن در آغاز کار دو کلاس دبیرستانی به آن افزود و سرانجام موفق شد دبیرستان با شش کلاس ایجاد کند. به این ترتیب در ۱۹۱۳ م/ ۱۲۹۲ ش، ایران دارای دوره کامل دوازده ساله آموزش ابتدایی و متوسطه شد.

برای توسعه دبیرستان مزبور، در سال ۱۲۹۲ ش، زمین بزرگتری به مساحت صد و پنجاه هزار ذرع خریداری شد. این زمین که از یوسف‌آباد تا خیابان پهلوی سابق (ولی عصر فعلی) امتداد داشت، از املاک بهجت‌آباد و جزو مرده ریگ میرزا یوسف خان مستوفی‌الممالک بود. میرزا یوسف خان مستوفی‌الممالک و شوهر دخترش شاهزاده جلال‌الدوله این املاک را در بانک شاهنشاهی انگلیس به گرو گذاشته بودند. میسیون آمریکایی همین زمین را از بانک خرید؛ اما بر سر تعیین حدود املاک مزبور با مشکلاتی مواجه شد. از آن جمله میرزا هاشم آشتیانی که خود را برای زمین‌های بهجت‌آباد سهیم می‌دانست و سندی هم برای گرفتن حق در دست داشت، بر ضد آمریکایی‌ها اقامت دعوا کرد.

علی‌اکبر داور، از سوی آمریکایی‌ها به حمایت فراخوانده شد، او هم پنجاه و چهار هزار ذرع از زمین‌های خریداری شده را به میرزا هاشم واگذار کرد. همچنین میرزا حسن خان مستوفی‌الممالک نسبت به زمین‌هایی که با نام اراضی جلالیه خریداری شده بود، اعتراض داشت که سرانجام با میانجی‌گری ارسلان خلعتبری و به خاطر اهداف تربیتی آمریکایی‌ها، از اعتراض خود چشم پوشید. پیش از این گفته شد که دکتر جردن پس از ورود به ایران، ریاست مدرسه هشت کلاسه‌ای را به عهده گرفت که ارزش گواهینامه آن برابر با گواهینامه دوره متوسطه بود. حال در خور یادآوری است که در همین هنگام بود که مدرسه آمریکایی راه خود را یافت و برآمد و بلند آوازه شد. این مدرسه پس از انتقال به محل ساختمان کنونی دبیرستان البرز ۱۳۰۸ ش، با داشتن نهصد دانش‌آموز در شمار یکی از معروف‌ترین و مهم‌ترین مدارس کشور درآمد.

دکتر جردن در واقع بنیانگذار اصل کالج البرز است و چهل دو سال تمام ۱۸۹۹-۱۹۴۰ م ۱۲۷۸-۱۳۱۹ ش، در ایران به سر برد و به خوبی با فرهنگ و ادب این کشور آشنا شد. سرانجام دولت ایران در سال ۱۳۱۲ ش، مدارس ابتدایی خارجیان از جمله مدارس آمریکایی را تعطیل کرد و به دنبال آن در سال ۱۳۱۹ ش، نیز مدارس متوسطه را به تعطیلی کشاند. از آن پس مانیسیون آمریکایی مدرسه مختلطی به نام «کامینتی اسکول» تأسیس کرد و به اداره آن پرداخت و چون با وجود یک مدرسه به اهداف خود دست نمی‌یافت، دو مؤسسه دیگر به نام‌های «ایران بتیل» و «بنیاد البرز» را تأسیس و به آن اضافه کرد.

(گنجینه اسناد، دفتر چهارم، زمستان ۱۳۷۲، ص ۲۷۲۰؛ جهت اطلاع بیشتر ن ک به: تاریخ مانیسیون آمریکایی در ایران، ص ۱ و ۴ و ۵ و ۳۷؛ تاریخ روابط ایران و ممالک متحده آمریکا، ص ۵۲ و ۵۸؛ تاریخ رضائیه، ص ۲۳۶ و سده نامه‌های دبیرستان البرز در سال‌های ۱۳۲۸-۲۹ و ۱۳۵۴).

منبع: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۹۲۸۷/ایران-آمریکائی-مدارس-تاریخچه>